

فهرست

۷	درس اول (Understanding People)
۶۷	پاسخ‌نامه تشریحی درس اول
۸۶	درس دوم (A Healthy Lifestyle)
۱۵۳	پاسخ‌نامه تشریحی درس دوم
۱۶۶	درس سوم (Aty and Culture)
۲۲۲	پاسخ‌نامه تشریحی درس سوم
۲۳۶	ضمائم

Understanding People

بخش اول: واژگان

... واژگان سطر به سطر ...

Title Page

understand /,ʌndər'stænd/ *v* ... زبان ... را فهمیدن، فهمیدن ...

Do you understand Italian? آیا زبان ایتالیایی را می‌فهمی؟

written /'rɪtɪn/ *adj* نوشتاری، کتبی

Some languages have no written form.

برخی زبان‌ها شکل نوشتاری ندارند.

available /ə'veɪləbəl/ *adj* موجود، در دسترس

These goods are available to members only.

این اجناس فقط برای اعضا موجود است.

die /daɪ/ *v* ۱. از بین رفتن، نابود شدن ۲. مردن

One language dies about every fourteen days.

تقریباً هر چهارده روز یک زبان از بین می‌رود.

deaf /def/ *adj* ناشنوا

Deaf people use sign language to communicate.

افراد ناشنوا برای برقراری ارتباط از زبان اشاره استفاده می‌کنند.

communicate /kə'mju:nikeɪt/ *v* ارتباط برقرار کردن

We communicate by means of language.

ما از طریق زبان ارتباط برقرار می‌کنیم.

Get Ready

parking lot /'pa:rkɪŋ la:t/ **n** پارکینگ

The parking lot is next to the post office.

پارکینگ کنار (جنب) ادارهٔ پست است.

around /ə'raʊnd/ **adv, prep**

۱. این نزدیکی‌ها، همین دور و بر ۲. سرتاسر ۳. دور ۴. در

Is there a bank around here? آیا این نزدیکی‌ها بانک وجود دارد؟

turn off /tɜ:rn 'ɑ:f/ **phr v** [تلویزیون و غیره] خاموش کردن

She turned off the television. او تلویزیون را خاموش کرد.

keep off /ki:p 'ɑ:f/ **phr v** وارد ... نشدن، دور ماندن از

Keep off the grass! وارد چمن نشوید.

grass /græs/ **n** ۱. چمن ۲. علف

Cows and sheep eat grass. گاوها و گوسفندان علف می‌خورند.

storybook /'stɔ:ri:bʊk/ **n** کتاب داستان

My sister enjoys reading storybooks.

فواهرم از خواندن کتاب‌های داستان لذت می‌برد.

foreigner /'fɔ:reɪnər, 'fɑ:-/ **n** (فرد) خارجی

The foreigner can speak Russian.

آن فرد خارجی می‌تواند روسی صحبت کند.

Conversation

besides /bi'saɪdz/ **prep** علاوه بر، گذشته از

I speak two languages besides French.

من علاوه بر فرانسوی به دو زبان صحبت می‌کنم.

mother tongue /,mʌðər 'tʌŋ/ **n** زبان مادری

Is English his mother tongue? آیا انگلیسی زبان مادری اش است؟

a large/small amount of ...	مقدار زیادی/ کمی
a native speaker	گویشور بومی
a native speaker of English	انگلیسی‌زبان
an English speaker	انگلیسی‌زبان
a number of	تعدادی، چند، چندتا
as early as possible	هر چه زودتر، در اسرع وقت
be available to	در دسترس ... بودن
be afraid of	از ... ترسیدن
be confident	اعتماد به نفس داشتن، مطمئن بودن
borrow sth from sb	چیزی را از کسی قرض گرفتن
by means of	از طریق، به وسیله
exchange sth for sth	چیزی را با چیزی تعویض کردن
explain sth to sb	چیزی را برای کسی توضیح دادن
first language	زبان مادری
mother tongue	زبان مادری
native language	زبان مادری
go deaf	کرشیدن، ناشنواشدن
have access to	دسترسی داشتن به
get/ gain access to	دسترسی یافتن به، دسترسی پیدا کردن به
in one's own time	در اوقات فراغت خود، در وقت آزاد خود
make a mistake	اشتباه کردن
means of communication	وسیله ارتباطی، ابزار ارتباطی
meet the needs of ...	نیازهای ... را برآورده کردن
no matter ...	مهم نیست که ...، صرف نظر از این که ...

درس اول : بخش اول : واژگان

physical and mental health	سلامت جسمانی و ذهنی
spoken language	زبان گفتاری
take a look at	نگاهی انداختن به، نگاه کردن به
take a photograph (of)	عکس گرفتن (از)
take notice of	توجه کردن به
the ability to do something	توانایی انجام دادن کاری
to be honest (with you)	راستش را بخواهی، راستش
vary from region to region	

از منطقه‌ای به منطقه‌ای فرق کردن، در مناطق مختلف متفاوت بودن

vary (range) from A to B	از A تا B متفاوت بودن
vary (range) in price / size	از نظر قیمت / اندازه ... با هم فرق داشتن
You're welcome.	(در پاسخ تشکر) خواهش می‌کنم.

... مترادف‌ها و متضادها ...

Word	کلمه	Synonym	مترادف
at last	سرانجام، بالاخره	finally	سرانجام، بالاخره
begin	شروع کردن	start	شروع کردن
borrow	قرض گرفتن	take	گرفتن
by means of	از طریق، به وسیله	by using	با استفاده از
die	مردن، فوت کردن	pass away	فوت کردن
disappear	از بین رفتن، ناپدید شدن	die	از بین رفتن
greatly	فیلی، بسیار زیاد	largely; very much	بیشتر، زیاد، فیلی زیاد

بخش دوم: گرامر

اسم قابل شمارش و غیر قابل شمارش

تفاوت اسم قابل شمارش و غیر قابل شمارش:

اسم قابل شمارش اسمی است که:	
one pen, two pens ...	۱. می توان آن را شمرد و شکل مفرد و جمع دارد؛
an apple, a car, four cars	۲. قبل از آن a, an و عدد می آید؛
There is a book. There are some books.	۳. با فعل مفرد و جمع می آید؛
How many trees ...? many people a few bottles few oranges some mice a lot of birds plenty of books several letters a number of books	۴. بعد از صفات کمی زیر به صورت جمع می آید. چه تعداد ...? تعداد زیادی تعداد کمی تعداد کمی تعدادی تعداد زیادی تعداد زیادی چند، چندین تعدادی، چند

اسم غیر قابل شمارش اسمی است که:

a cup of tea two cups of tea	۱. به تنهایی نمی توان شمرد بلکه با واحد شمارش شمرده می شود و همیشه به شکل مفرد به کار می رود؛
water, air, rice, bread	۲. قبل از آن a, an و عدد نمی آید؛

اسم غیر قابل شمارش اسمی است که:

There **was** some water.

A lot of money **is** on the desk.

۳. فقط با فعل مفرد به کار می‌رود؛

How much milk ...?

much sugar

a little coffee

little bread

some information

a lot of food

plenty of money

۴. بعد از صفات کمی زیر به کار می‌رود؛

How much چه مقدار ...؟

much مقدار زیادی

a little مقدار کمی

little مقدار کمی

some مقداری

a lot of / lots of مقدار زیادی

plenty of مقدار زیادی

نکته

۱ بعد از a/an/one از اسامی قابل شمارش مفرد به همراه افعال مفرد استفاده می‌کنیم؛ ولی بعد از اعداد بیشتر از یک و صفات کمی، از اسامی قابل شمارش جمع به همراه افعال جمع استفاده می‌کنیم. اسامی غیر قابل شمارش (نیز که همیشه به شکل مفرد است) را به همراه فعل مفرد می‌آوریم.

There **was** a cup of tea on the table.

یک فنجان چای بر روی میز وجود داشت.

There **were** some cups of tea on the table.

تعدادی فنجان چای بر روی میز وجود داشت.

There **was** some tea in the cup. مقدار چای در فنجان وجود داشت.

۲ اگر در تست، بعد از some، a lot of، lots of و plenty of جای خالی داشتیم و از شما خواستند اسم قابل شمارش یا غیر قابل شمارش را انتخاب کنید، فقط کافی است به فعل‌های مفرد یا جمع در جمله دقت کنید. اگر فعل مفرد باشد، اسم غیر قابل شمارش مفرد را انتخاب می‌کنیم؛ ولی اگر فعل جمع باشد، اسم قابل شمارش جمع را انتخاب می‌کنیم.

چنانچه بخواهید زیادبودن چیزی را بیان کنید می‌توانید این اعداد را جمع ببندید. در این حالت، قبل از این اعداد، عدد نمی‌آید و بعد از آن هم باید Of بیاید:

Two hundred people work in this factory.

دویست نفر در این کارخانه کار می‌کنند.

Hundreds of people work in this factory.

صدها نفر در این کارخانه کار می‌کنند.

فقط اسم قابل شمارشی که بعد از عدد بیشتر از یک می‌آید جمع بسته می‌شود ولی خود عدد، جمع بسته نمی‌شود:

2319485 trees = two million three hundred (and) nineteen thousand four hundred (and) eighty-five trees

برای یک صد، یک هزار، یک میلیون و یک میلیارد در شروع عدد می‌توانید از a یا one استفاده کنید. ولی در وسط عدد فقط از one استفاده کنید.

1121 = a/one thousand one hundred (and) twenty-one

انواع تست‌های احتمالی گرامر

۱ اگر جای خالی بعد از صفات کمی باشد:

بعد از How many، many، a few، few و several، اسم قابل شمارش جمع به همراه فعل جمع می‌آید. ولی بعد از How much، much، a little و little اسم غیر قابل شمارش (که همیشه به صورت مفرد است) به همراه فعل مفرد می‌آید.

بعد از some، lots of، a lot of و plenty of، اگر فعل جمله، مفرد باشد، اسم غیر قابل شمارش مفرد را انتخاب کنید؛ ولی اگر فعل جمله، جمع باشد، اسم قابل شمارش جمع را انتخاب کنید.

18. My mother bought a few and a little yesterday morning.

- | | |
|------------------------|-------------------------|
| 1) carrot / sugar | 2) carrots / meat |
| 3) oranges / vegetable | 4) orange juice / fruit |

19. If your son is thirsty, there apple juice in the fridge.

- | | |
|-----------------|----------------|
| 1) are a little | 2) is a little |
| 3) is a few | 4) are a few |

20. There are some in the kitchen to bake a cake.

- | | |
|------------------|--------------------|
| 1) egg | 2) milk |
| 3) carton of egg | 4) bottles of milk |

۲ اگر جای خالی قبل از اسم باشد:

■ قبل از اسم غیر قابل شمارش، با توجه به معنای جمله، (How much، a little، little، some، lots of یا a lot of) را انتخاب کنید و قبل از اسم قابل شمارش جمع، (How many، many، a few، few، some) را انتخاب کنید.

21. Henry, we don't have time. We must hurry.

- | | | | |
|--------|---------|-----------|---------|
| 1) few | 2) many | 3) little | 4) much |
|--------|---------|-----------|---------|

22. Karen: How photographs did your daughter take? Henry: Just

- | | |
|-----------------|--------------------|
| 1) much / few | 2) many / little |
| 3) many / a few | 4) many / a little |

32. The current population of Turkey is based on the latest United Nations estimates.

- 1) eighty-three millions sixty-nine thousand six
- 2) eighty and three million and sixty and nine thousand and six
- 3) eighty-three millions and sixty-nine thousand and six
- 4) eighty-three million sixty-nine thousand and six

بخش سوم: نگارش

جمله ساده (Simple Sentence)

■ در زبان انگلیسی هر جمله ساده حتماً باید یک فعل داشته باشد.

Don't shout.

داد نزن.

فعل

■ چنانچه فعل جمله، لازم (ناگذر) باشد به مفعول نیاز نداریم.

The apple fell down.

سیب افتاد.

فاعل

فعل

■ ولی اگر فعل جمله، متعدی (گذرا) باشد، بعد از فعل، حتماً باید مفعول بیاید.

The students are drinking milk.

دانش آموزان دارند شیر می‌خورند.

فاعل

فعل

مفعول

■ برخی افعال دو مفعول دارند. در این حالت، اول مفعول انسان بعد مفعول

غیرانسان می‌آید ولی اگر بخواهید اول مفعول غیر انسان و بعد مفعول

انسان را بیاورید، قبل از مفعول انسان، باید از حرف اضافه (to یا for)

استفاده کنید.

I bought Mike some pens.

من برای مایک تعدادی خودکار خریدم.

مفعول (غیرانسان) مفعول انسان

درس اول : بخش سوم: نگارش

I bought some pens for Mike. من تعدادی خودکار برای مایک خریدم.

◀ ترتیب قرارگیری قیده‌ها در جمله:

■ قید زمان در آخر جمله می‌آید ولی قید زمان را می‌توان در ابتدای جمله نیز آورد:

On weekends, she reads storybooks.

مفعول فعل فاعل قید زمان

در تعطیلات آفر هفته، او کتاب داستان می‌خواند.

■ قید حالت بعد از فعل اصلی می‌آید ولی اگر مفعول داشتیم، بعد از مفعول می‌آید. دقت کنید قید می‌تواند قبل از فعل اصلی و برای تأکید در ابتدای جمله نیز بیاید ولی هیچ وقت بین فعل و مفعول نمی‌آید:

The man picked up the knife slowly. آن مرد به آرامی چاقو را برداشت.

قید حالت مفعول فعل

The man slowly picked up the knife. آن مرد به آرامی چاقو را برداشت.

Slowly the man picked up the knife. آن مرد به آرامی چاقو را برداشت.

■ قیده‌های تکرار را قبل از فعل اصلی یا بعد از فعل to be به کار ببرید.

always	usually	often	sometimes	never
همیشه	معمولاً	اغلب	گاهی اوقات	هرگز

He usually finishes work at 5:00. او معمولاً ساعت ۵ کار را تمام می‌کند.
فعل اصلی

I am usually at home at 5:00. من معمولاً ساعت ۵ در خانه هستم.
فعل

33. Which sentence has the correct word order?

- 1) Jack always has fast his breakfast in the kitchen.
- 2) Jack has always his breakfast fast in the kitchen.
- 3) Jack always has his breakfast fast in the kitchen.
- 4) Jack always has his breakfast in the kitchen fast.

34. Which of the following sentences is grammatically WRONG?

- 1) Did you yourself send him an email this morning?
- 2) She often bakes a cake for us here at weekends.
- 3) He generously gave the poor people a lot of money.
- 4) I spent happily my holiday in Australia last month.

۲ با توجه به ساختارهایی که یاد گرفتید باید بتوانید نقش دستوری کلمه را تشخیص بدهید.

35. Which of the following sentences contains “an object”?

- 1) Was herself cooking fast in the kitchen?
- 2) Did the Spanish tourists take photos?
- 3) He cried loudly on his first day at school.
- 4) Her uncle works hard most of the time.

بخش چهارم: درک مطلب

انواع سؤال‌های درک مطلب و نکات و روش‌های پاسخ‌دادن به سؤال‌های درک مطلب و کلوز تست در این سه درس بدین شکل بیان شده است:

درس ۱: روش scanning و skimming و سؤال عنوان و ایده متن

درس ۲: تکنیک‌های حدس‌زدن لغات ناآشنا و سؤال مربوط به واژگان

درس ۳: سؤال مرجع ضمیر و نحوه پاسخ‌دادن به کلوز تست

برای این که بتوانید سریع و راحت متن را بخوانید و به سؤال‌های درک مطلب پاسخ دهید باید از دو تکنیک scanning و skimming استفاده کنید. هر دو تکنیک به معنی «نگاه اجمالی انداختن» به متن است به صورتی که در هر دو روش چشم‌هایتان را سریع از روی متن حرکت می‌دهید. تفاوت‌شان در این است که در skimming دنبال نمای کلی متن یا همان ایده اصلی متن هستیم؛ یعنی با این تکنیک می‌خواهیم بدانیم کل متن در مورد چیست و چه می‌خواهد بگوید. ولی در scanning دنبال «کلمات کلیدی» موجود در سؤال‌ها هستیم تا بتوانیم آن‌ها را سریع در متن پیدا کنیم و در کم‌ترین زمان ممکن به آن‌ها پاسخ بدهیم.

روش Skimming

اولین کاری که باید در برخورد با یک متن انجام دهید این است که بدانید کل متن در مورد چیست و چه می‌خواهد بگوید. جواب این سؤال را با روش skimming پیدا می‌کنیم. در این روش، جملات اول هر پاراگراف را سریع می‌خوانیم تا عنوان (topic) یا ایده اصلی (main idea) متن را پیدا کنیم. به عبارتی متن را skim می‌کنیم تا بفهمیم متن در مورد چیست.

◀ عنوان ایده اصلی متن:

■ **topic (عنوان متن):** در واقع عنوان اصلی متن است که در بالای هر متن می‌نویسند. عنوان متن ممکن است یک کلمه یا عبارت باشد. برای تشخیص عنوان متن کافی است بپرسیم «متن درباره چیست؟» که جواب می‌شود topic.

■ **main idea (ایده اصلی متن):** در واقع ایده اصلی متن است که نویسند در متن به آن پرداخته است و سعی دارد آن را توضیح دهد. برخلاف topic

44. It can be understood from the last paragraph that children

- 1) sometimes speak informally when they are required to use formal language
- 2) use their speech to learn new skills
- 3) can change the language forms they use according to their audience
- 4) rarely attempt to judge the effect of their speech on the people with whom they communicate

آزمون جامع / General Test

A: Grammar & Writing

زمان ۲۰ دقیقه

45. According to some experts, many animals that lived ago are now extinct and they estimate that 0.1% of all species will become extinct each year.

- 1) one thousand
- 2) thousands of years
- 3) thousand of years
- 4) a thousands years

46. Helen: How milk do your children drink every morning? Karen: Just

- 1) much glass of / a little
- 2) much / a few
- 3) many / a little
- 4) many glasses of / a few

47. My grandfather is 85 years old. He hasn't got on his head.

- 1) little hair
- 2) much hair
- 3) some hair
- 4) any hairs

48. Which of the following sentences is grammatically CORRECT?

- 1) Julie taught the grammar to the students on Sunday at school.
- 2) Julie taught to the students the grammar at school on Sunday.
- 3) On Sunday, Julie taught the students the grammar at school.
- 4) On Sunday Julie taught the grammar the students.

B: Vocabulary

49. A: "How many scientists took part in the conference?"

B: "..... 50 ones." (سراسری زبان ۹۱)

- | | |
|----------------|------------|
| 1) Mostly | 2) Nearly |
| 3) Immediately | 4) Greatly |

50. We were late getting to the airport, but for us, the plane was delayed. (سراسری ریاضی ۹۴)

- | | |
|--------------|------------------|
| 1) luckily | 2) basically |
| 3) certainly | 4) unfortunately |

51. By 1960, people all over the world had to radio and television, so kids in Pennsylvania and Manus could hear news about astronauts on the same day.

- | | | | |
|---------------|-----------|------------|----------|
| 1) experience | 2) access | 3) project | 4) means |
|---------------|-----------|------------|----------|

52. If you can't go to an English-speaking country to study, perhaps you can find an English speaker living nearby that can help you learn English.

- | | | | |
|-----------|--------------|------------|-----------|
| 1) honest | 2) confident | 3) popular | 4) native |
|-----------|--------------|------------|-----------|

پاسخنامه تشریحی

۱- گزینه «۱» اگر فقط تعداد زیاد افرادی را در نظر بگیرید که در جست‌وجوی کار در جایی دیگر، دارند شهرمان را ترک می‌کنند، ممکن است به درستی نتیجه بگیرید که شهر ما هیچ آینده‌ای ندارد.

۲- گزینه «۳» **نابلوی** بزرگی روی دیوار وجود داشت که می‌گفت «پارک کردن ممنوع».

۳- گزینه «۱» اخیراً او ساعات **بیشتری** کار کرده است تا برای تعطیلاتی که قصد دارد در تابستان برود، پس‌انداز کند.

۴- گزینه «۱» رقابت سختی خواهد بود اما من از لحاظ جسمانی و **روحی** برای آن آماده‌ام.

۵- گزینه «۳» حرکت بدن یک **وسیله** ارتباطی است. در واقع عنصر غیرگفتاری ارتباط است.

means of communication وسیله ارتباطی، ابزار ارتباطی

۶- گزینه «۲» آب در این منطقه حاوی **مقدار کمی** کلسیم و سایر مواد معدنی است.

a small amount of مقدار کمی

۷- گزینه «۴» یک بار معلم انگلیسی‌ام گفت صرف‌نظر از این که به سختی انگلیسی می‌خوانید، شما نمی‌توانید در عرض یک سال یا در همین حدود آن را به روانی یک گویشور بومی صحبت کنید. (how/ why/ what ...)

no matter مهم نیست که، صرف‌نظر از این که

۸- گزینه «۳» GPS اشتباه **کرد** وقتی به من گفت که به جای سمت راست، به چپ بروم و باعث شد گم شوم.

make a mistake اشتباه‌کردن

۹- گزینه «۱» یک خطر واقعی وجود دارد که جنگل‌های آن منطقه در ۵۰ سال آینده کاملاً از بین بروند. کلمه “disappear” (ناپدید شدن، از بین رفتن) به معنی die (مردن، از بین رفتن) است.

۱۰- گزینه «۳» من به اندازه کافی خوش شانس بوده‌ام که در پنج شرکت خیلی کوچک کار کنم و از همه آن‌ها تجربه‌های ارزشمندی کسب کرده‌ام. “valuable” (ارزشمند، مفید) مترادف “useful” (مفید) است.

۱۱- گزینه «۴» فکر نمی‌کنم برای من لازم باشد که مانند یک گویشور بومی به نظر برسم، فقط می‌خواهم بتوانم روان صحبت کنم. “native” (بومی، محلی) متضاد “foreign” (فاربی) است.

۱۲- گزینه «۳» منطقه یا بخشی خاص در یک کشور یا در جهان، منطقه نامیده می‌شود.

۱۳- گزینه «۲» کلمه “communicate” (ارتباط برقرار کردن) به معنی «تبادل اطلاعات با افراد دیگر با استفاده از کلمه، نشانه‌ها، نوشته‌ها و غیره» است.

۱۴- گزینه «۴» قاره یکی از هفت منطقه اصلی خشکی بر روی زمین است که عمدتاً توسط دریا احاطه شده و معمولاً از کشورهای مختلف تشکیل شده است.

۱۵- گزینه «۳» این زبان شامل گویش‌های (لهجه‌های) مختلفی است که می‌تواند از یک شهر به شهر دیگر یا از یک جزیره به جزیره دیگر فرق کند.

vary from one town to another

از یک شهر به شهر دیگر فرق کردن، در شهرهای مختلف متفاوت بودن

۱۶- گزینه «۴» آیا می‌خواهید این دوربین دیجیتالی را با یکی دیگر تعویض

کنید یا می‌خواهید پول خود را پس بگیرید؟

exchange sth for sth

پیزی را با پیزی تعویض کردن